

## اثر مکاتب فکری بر رفتار اقتصادی ژاپنیها

محمود متولی\*

رشد اقتصادی چشمگیر ژاپن نظر بسیاری از محققین و دانش پژوهان در علوم مختلف را به خود جلب کرده است. ژاپن در ابتدای دوران میجی (۱۸۶۸) نسبت به کشورهای غربی کشوری عقب افتاده به شمار می‌رفت، ولی حدود ۲۰ سال بعد (یعنی قبل از جنگ جهانی دوم) به امپراطوری عظیمی مبدل شد و بیشتر قسمت‌های آسیای شرقی، و جزایر غربی اقیانوسیه را متصرف شده اما در جنگ جهانی دوم شکست خورده و زیان‌های مادی و انسانی فراوانی را متحمل شد و در این جریان استقلال سیاسی خود را نیز از دست داد. چند سال بعد از جنگ با تجدید سازمان نیروها و دست زدن به برخی اصلاحات اقتصادی - اجتماعی و همچنین استفاده به موقع از مناقشه شرق و غرب زمینه مناسبی را برای گسترش تولید و توسعه سریع و همه جانبه اقتصادی فراهم کرد به طوری که هم‌اکنون به عنوان کشوری ثرومندو ابرقدرتی اقتصادی در عرصه رقابت‌های بین‌المللی مطرح است.

بررسی علل توسعه اقتصادی ژاپن و کنکاودرمورد فاکتورهای کلیدی که بیشترین سهم را در توسعه اقتصادی آن کشور داشته از دو جنبه قابل توجه است. اول اینکه استفاده از تجارب ژاپن در زمینه توسعه صنعتی و پیشرفت علوم و تکنولوژی با تکیه بر نیروی انسانی و علی رغم کمبود منابع طبیعی برای کلیه کشورهای عقب مانده می‌تواند مفید باشد. درثانی نقش فعال و رو به تزايد ژاپن در توازن قدرت بین‌المللی برای هردو گروه کشورهای عقب مانده و پیشرفت بسیار بالاهمیت بوده و هریک‌در برنامه ریزی‌های آینده و مبادلات صنعتی و تجاری خود با ژاپن، ملاحظاتی را باید منظور دارند\*\*.

آنچه که امروزه به عنوان مزیت نسبی برای ژاپنیها در صحنه رقابت‌های تکنولوژیک محسوب می‌شود در یک کلام اصول و ارزش‌هایی است که ریشه در فرهنگ آنها داشته و منتج

\* دکتر محمود متولی - استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

\*\* این مقاله فقط به چگونگی شکل‌گیری مبانی اخلاقی و معنوی موثر در رفتار اقتصاد ژاپنی‌ها می‌پردازد و به ابعاد بسیار وسیع تر تجربه ژاپن در زمینه مدیریت، توسعه خود انتکای اقتصادی، آموزش آکادمیک و حرفه‌ای و سیاست پولی و مالی در فرصت‌های دیگر پرداخته خواهد شد.

از تعالیمی است که در طی قرن ها توسط مکاتب فکری مهمی چون شینتویسم ، بودیسم ، کنفوشیونیسم انجام گرفته است . این اصول و ارزش ها که به عنوان خصوصیات ویژه ژاپنی ها (۱) نامیده می شوند ، تمام ابعاد زندگی این جامعه را فرا گرفته و به خصوص در مدیریت ، روابط کارگری ، رفتار اقتصادی و اجتماعی آنها کاملاً "مشهود و مورد توجه می باشد . این خصوصیات ویژه اساس نظام ارزشی ژاپن را تشکیل داده و از عوامل تعیین کننده در پایه گذاری پیشرفت های چشمگیر آن کشور محسوب می شوند . بعضی از این خصوصیات را می توان چنین برشمرد .

- دارا بودن کارآترین سیستم مدیریت (همکاری در مدیریت مشاغل و اتفاق نظر و هماهنگی (۲) در تصمیم گیری) .

- همزیستی بین "ارزش‌های اخلاقی و معنوی سنتی" و "توسعه چشمگیر اقتصادی" علی‌رغم آنچه که به نام تضاد شناخته شده بین توسعه اقتصادی و سنن و میراث فرهنگی کشورها عنوان می شود .

- ایفای نقش کامل دولت در تشویق ، راهنمایی و کنترل سیستم اقتصادی که بیشتر توسط بخش خصوصی به ویژه شرکت‌های بزرگ اداره می شود .

- حفظ و نگهداری الگوی مصرف سنتی همراه با میل به پس انداز بالا .

- دارا بودن شبکه اطلاعاتی قوی و پیشرفته در سطح ملی و بین‌المللی .

- وجود هماهنگی و وحدت ملی در سراسر جامعه .

- داشتن جامعه‌ای متخلک و گروه‌گرا که اهداف ملی بالا ترین ارزش گروهی و جمعی آنها را تشکیل می دهد .

- جامعه‌ای مرکب از مردمی نسبتاً متجانس از لحاظ زبان ، ایدئولوژی ، نژاد و درآمد .

- وجود روابط صنعتی موزون با سیستم اشتغال مدام العمر و سطح پائین اعتصابات .

- وجود انکار به عنوان یک ارزش عالی پذیرفته شده توسط عموم مردم و برخورداری از تحصیلات عالی و دانش فنی و تخصصی .

همچنین در این بخش توجه خاصی به معرفی دوره توکوگawa (۳) (۱۶۰۳ - ۱۸۶۸)

1- Japanese Unique Character

2- Consensus and Concord

3- Tokugawa Period

و اوایل دوره میجی (۱) می‌شد، زیرا تقریباً ۲۲۵ سال از دوره توکوگاوا درهای ژاپن به روی جهان خارج بسته شد و ایدئولوژی کنفوشیوس (۲) سلطه کاملی بر تعالیم مذهبی، علمی و فرهنگی یافت و در نتیجه معیار و ارزش‌های شناخته شده جامعه، شامل خصوصیات ویژه مذکور به طور وسیعی در این دوره وابتدای دوره میجی در بین جامعه رسوخ کرد. به علاوه شکل‌گیری این ارزش‌ها به دلیل عدم تاثیر پذیری آنها از فرهنگ‌های خارجی، اهمیتی خاص برای جامعه ژاپن و محققین خارجی دارد به طوری که در اوآخر دوره توکوگاوا اوایل دوره میجی شرایط مقدماتی برای توسعه اقتصادی به وجود آمد و موانع اصلی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برطرف شدند، موسسات و نهادهای لازم و مقتضی توسعه، تاسیس شدند و از همه مهمتر سیستم آموزشی با یک پوشش ملی پایه‌گذاری شد.

به این منظور ضروری است بعضی از اصول مذاهب و مکاتب فکری از جمله تعالیم اساسی مکاتب شینتو (۳)، بودا (۴) و کنفوشیوس که بیشترین اثر و نفوذ رادر زندگی روزمره و ارزش‌های علمی جامعه ژاپن داشته اند تشریح و تغییرات اساسی و تعدیلات و اصلاحات در تعلیمات بنیانی این مکاتب بیان گردند و استفاده از مذهب برای مقاصد سیاسی و اثراً این تعالیم بر فرماندهی اقتصادی جامعه مورد بحث قرار گیرند.

### آئین شینتو: ظهور و ترویج آن

در هر کشوری با سابقه تاریخی طولانی «مذهب»، ارزش‌ها و معیارهای اصلی حاکم بر آن جامعه را شکل می‌بخشد و ژاپن نیز در این مورد مستثنی نیست. دین و مذهب سنتی ژاپن - شینتو - یک آئین اعتقادی - عملی است که در زندگی اجتماعی مردم ژاپن انعکاس یافته و با خصوصیات ملی، طرز تفکر و شیوه زندگی ژاپنی‌ها ارتباط تنگ برقرار نموده است. معنای تحت اللفظی واژه "شینتو" عبارت است از راه و رسم "کامی" (۵) که کامی اشاره دارد به "برتر و متفوق بودن"، سری و مرموزیون و یا همان الله و خدا برطبق آئین شینتو در عالم وجود خدایان متعددی وجود دارند. کامی شامل الله‌های زمینی و جهان ماوراء است که نه تنها انسانها را می‌توانند شامل شود، بلکه پرنده‌گان، درختان، کوهها و

1- Meiji Period

2- Confucian

3- Shintoism

4- Buddhism

5- The Way of Kami

هرچیز دیگری که شایستگی آنرا پیدا نماید که مورد خصوع قرار گیرد و نمایانگر قدرت خارق العاده باشد، نیز شامل می‌شود.

در مورد اساس پدید آمدن ژاپن والوهیت<sup>(۱)</sup> سرزمین آن، شینتو اظهار می‌دارد که، به طور ناگهانی ازاله ببشت برین<sup>(۲)</sup> دواله مهم، یعنی اله آسمان "ایزاناتکی"<sup>(۳)</sup> واله زمینی "ایزانامی"<sup>(۴)</sup> خلق شدند و این دو اله سرزمین ژاپن را پدید آورده‌اند. سپس خدای آسمان، رب‌النوع خورشید و خدای ماه و طوفان را خلق کرد. و این افسانه تا آنجا ادامه می‌یابد که امپراطور را با ذکر این سخن که "نوه پسری رب‌النوع خورشید - نی‌نی جی - نو - میکوتو - به سرزمین ژاپن فرستاده شد تا براین جزایر بطور دائمی فرمانروائی نماید" با مقدس‌ترین اله مرتبط می‌سازد. نوه پسری ارشد نی‌نی جی - نو - میکوتو<sup>(۵)</sup>، جین‌مو<sup>(۶)</sup> نام داشت که بیش از ۲۵۰۰ سال قبل به عنوان اولین امپراطور ژاپن نامیده شدو این سلسله پادشاهی تابعه امروز یعنی تا امپراطور آکی‌هیتو پسر هیروهیتو<sup>(۷)</sup> ادامه یافته است.<sup>(۸)</sup>

در مرام‌شینتوبه مفهوم تقدس سرزمین و امپراطور بسیار بها داده می‌شود و این در طول تاریخ ژاپن بطور مکرر به عنوان عاملی جهت تشکل و اتحاد در برابر آشوبهای داخلی و تجاوزات خارجی بکار گرفته شده است.

در قرن سیزدهم هنگامی که این تهدید وجود داشت که شینتو به وسیله بودیسم که مفاهیم فلسفی بس وسیعتری دارد محظوظ نبود گردد، بازسازی شد. سپس در قرون بعدی، وقتی که علمای این مکتب سعی در تفسیر آن برپایه آئین کنفوشیوس جدید<sup>(۹)</sup> نمودند، شینتوحیات دوباره یافت و به صورت یک مکتب فکری، با مبانی فلسفی وسیعتری بخصوص

1- Divinity	2- High haven	3- Izanagi
4- Izanami	5- Ninigi-no-mikoto	
6- Jinmu	7- Hirohito	

(۸) امپراطور هیروهیتو در سال ۱۹۰۱ متولد شد و در دسامبر ۱۹۲۶ به سلطنت رسید و لقب شووا (Showa) به معنای روشنگری و هماهنگی را برای دوران سلطنت خود برگزید. در تاریخ ۱۸ دیماه ۱۳۶۷ اطلاع حاصل شد که امپراطور در سن ۸۷ سالگی درگذشت و در نتیجه دوران شووا به پایان رسید، دوران جدید با نام "دست‌یابی به صلح" با سلطنت امپراطور جدید آکی‌هیتو آغاز شد.  
9- Neo-confucianism

در زمینه سیاست ظهر کرد . در پایان دوره توکوگاوا مفاهیم شینتو به عنوان وسیله‌ای برای براندازی حکومت ملوک الطوایفی توکوگاوا و بعدهابه عنوان عاملی برای بسیج توده‌ها به منظور تجاوزات و توسعه طلبی‌ها بکار برده شد .

مفاهیم اساسی شینتو ارتباط آن با الوهیت امپراطور به روشن ترین وجه عینیت و هویت یکسان دین و سیاست را آشکار می‌سازد که نیاز به شرح و بسط مفصل تری دارد و در محدوده این تحقیق نمی‌گنجد .

شینتو یا آیدئولوژی‌های مختلف چینی نظری بودیسم ، کنفوشیوسیسم و در حد کمتری با آیین "تاغو<sup>(۱)</sup>" و آیین‌های دیگر مواجه و با گسترش وسیع بودیسم و ابعاد فلسفی آن تقریباً در آن مستحیل شده بود . بودیسم ادعا داشت که خدای شینتو می‌تواند با الهه‌های بودیسم یکسان فرض شود و مکتب شینتو در حقیقت به عنوان بخشی از دکترین بودیسم درآید . در اوآخر قرن سیزدهم مجسمه بودا در معابد شینتو نصب شد و حتی در بعضی موارد کاهنان بودائی تصدی مدیریت معابد شینتو را به عهده گرفتند . اگر این طرز تغکر ادامه می‌یافتد و در جامعه سوچ پیدا می‌کرد و پذیرفته می‌شد ، اساس و شالوده الوهیت سرزمین و امپراطور و درنتیجه وحدت ملی ژاپن از بنیان ویران می‌شد . لذا ، واکنش علیه بودیسم آغاز شد ، اولین عکس العمل در قرن سیزدهم باید ایش "واتاری" یا "ایزشینتو<sup>(۲)</sup>" بود که به عنوان یک مکتب تئوریک ضد بودیسم با هدف اصلاح و خالص کردن شینتو پایه‌گذاری شد . وسیس کوشش‌ها و مساعی در مسیر تجدید حیات و اصلاح شینتو ادامه یافت ، تا اینکه دو نهضت جدید شینتو یکی بنام "یوئیتسوشینتو<sup>(۳)</sup>" و یا "شینتو یک سو" که توسط یوشیدا کانه‌تومو<sup>(۴)</sup> (۱۴۳۵، ۱۵۱۱) در کیوتو پایه‌گذاری شد و دیگری "فوکوشینتو<sup>(۵)</sup>" یا برگشت "به شینتوی جهان شمول" که توسط سه‌کاهن در قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ بنیان گذاشته شد ، توسعه یافت . یوئیتسوشینتو اهمیت زیادی به خدای شینتو بخشد و ادعا کرد که الهه‌های بودیسم مناسب به خدای شینتو هستند و برعکس . همچنین به برتری والوهیت کشور ژاپن و سلسله پادشاهی موروشی و بلا انقطاع آن تاکید داشت .

دومین نهضت یعنی فوکوشینتو در مقدم شمردن سرزمین ، امپراطور و مردم ژاپن

1- Taoism

2- "Watari" or " Ise Shinto"

3- "Yuitsu Shinto" Or " One way shinto"

4- Yoshida Kanetomo

5- "Fukko shinto" or " return to antiquity shinto"

پافراتر گذاشت و مدعی تفوق و برتری نژادی زاپنی‌ها بردیگر ملل جهان شد و صریحاً از مردم زاپن خواست تا رسالت حکمرانی بر تمام دنیا را برسویش بگیرند و اجازه دهند، تا تمام جهان از برکات حاکمیت امپراطور زاپن متillum گردد<sup>۱</sup> این موج جدید "شیننتو"<sup>۲</sup> به هروسله در میان تمام ملت بخصوص در مدارس، نیروهای نظامی و اجتماعات دیگر ترویج و انتشار یافت. این باور وجود دارد که گسترش این تعالیم بر تجدید و اعاده قلمرو پادشاهی در طی سال‌های ۱۸۶۸ - ۱۸۶۲ و نیز وحدت و همبستگی ملی تاثیر بسیار داشته است به علاوه عاملی تعیین کننده در توسعه طلبی‌های نظامی قبل از جنگ بشمار می‌رود.

در دوره میجی شیننتو به ابزار سیاسی در دست سیاستمداران تبدیل شد. در ابتدا سعی شد تا شیننتوبه عنوان تنها مذهب دولتی و انحصاری معرفی گردد. و بودیسم در سراسر کشور تحریم شود. این اقدام به جای دستیابی به هماهنگی و وحدت ملی که مورد نظر بود، آشوب و شورش‌های اجتماعی عظیمی را در سطح کشور موجب شد. بنابراین در سال ۱۸۷۲ یک مذهب انتلافی دولتی مرکب از آئین شیننتو و بودا معرفی شد، اما فقط سه سال بعد بواسطه نفوذ زیاد کاهنان "شیننتوی جدید" در دولت، همان نظریه سابق با چهره‌ای جدید طرح گردید.

در طرح جدید، این بار شیننتوبه دو گروه شیننتوی دولتی (۱) و شیننتوی فرقه‌ای (۲) تقسیم شد. شیننتوی دولتی تحت ناظارت نهادهای دولتی قرار گرفت و بعداً "توسط دو ایر" شراین (۳)<sup>۳</sup> یا معابد شیننتو کنترل می‌شد، در حالیکه شیننتوی فرقه‌ای بهمراه بودیسم و مسیحیت و دیگر مذاهاب در حمایت توده مردم قرار گرفت. در سال ۱۹۰۵ شیننتوی فرقه‌ای و دیگر مذاهاب ریزنظر<sup>۴</sup> دایره مذاهاب (۴) قرار گرفته و بالاخره با محدودتر شدن حوزه عمل تعالیم معنوی در سال ۱۹۱۳ کلیه این تعالیم در کنترل و ناظارت مستقیم وزارت آموزش درآمد.

دولت به منظور تجمع تمام جامعه زیر یک چتروبا شعار واحد، اهمیت ویژه‌ای برای تعالیم اخلاقی و دستورات داده شده توسط رهبران مذهبی شیننتو در شراین‌ها، مدارس، نیروهای نظامی و دیگر اجتماعات قائل شد، دولت در طی تبلیفاتی وسیع اعلام نمود که شیننتوی دولتی یک مذهب نیست بلکه یک نهاد ملی باهویت تاریخی و معنوی است، لذا

1- State Shinto

2- Sect Shinto

3- Bureau of shrines

4- Bureau of religions

هرگز بدون توجه به ایدئولوژی و مراشم باید به عنوان یک وظیفه میهنی و نشانه‌ای از وفاداری و صداقتمن در معابد شینتو (شراین) حضور باید.

بدین ترتیب آیین شینتو با تکیه بردو اصل الوهیت سرزمین و امپراطور، اصول اعتقادی ویژه‌ای را پایه‌گذاری کرد که در مقاطع زمانی مختلف و علی رغم وقایع مختلف یک پارچگی و وحدت ملی را سبب شد. محور قرار گرفتن امپراطور به عنوان سمبول وحدت وعشق ورزیدن و پرستش سرزمین، اثرات ناگوار بسیاری از بحرانهای سیاسی، داخلی و خارجی را که ممکن بود جامعه را به یک جمود ورکود فکری و فرهنگی سوق دهد خنثی نمود و درنهایت همین شباهت نسبی سیاسی، زمینه‌های لازم برای شکوفایی فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورد.

### آیین بودا (۱)

بودیسم یکی از بزرگترین مذاهب جهان است که در بیشتر قسمت‌های شرق و جنوب شرقی آسیا رواج دارد. آین‌آیین به فرقه‌های متعددی تقسیم شده و در مناطق مختلف به صورت متفاوتی به آن عمل می‌شود. بودیسم به عنوان یک فلسفه و شیوه عملی زندگی، مورداً یمان و اعتقاد پیروان آن است.

بودیسم همراه با دیگر وجوده فرهنگی و اعتقادی چین از طریق کره به زاپن وارد شد، مهمترین تاثیرات چینی‌ها بر جامعه زاپن عبارتند از:

۱ - معمول ساختن نوشتار چینی، که نه تنها ادبیات زاپن را غنی ساخت بلکه به ملت زاپن کم کرد تا تمام ابعاد تمدن خود را توسعه بخشد.

۲ - نشر و گسترش آین‌آیین بودا و کنفوشیوس و اثرات اقتصادی - اجتماعی - سیاسی

این تعالیم بر جامعه زاپن.

آین‌آیین بودا اول بار در سال ۵۳۸ میلادی وارد زاپن شد و پیروان فراوانی در بین اقشار مختلف مملکت پیدا کرد. بویژه در قرن هفتم با برخورداری از حمایت خانواده

(۱) آین‌آیین بودا توسط بودا بنانهاده شد (نام اصلی او سید ارتاگاتاما Siddhartha Gautama) و بودا بود) که در سال ۴۸۳ قبل از میلاد در کاپیلاواستو (Kapilavastu) ویانپال امروزی متولد شده، آیین او "بودیسم" به یک مذهب بزرگ و نظام فلسفی تبدیل شد که فرهنگ عظیمی را بوجود آورد.

سلطنتی اهمیتی خاص در بین ژاپنی‌ها یافت. ابتدا مجسمه زیبایی از بودا به امپراطور هدیه شد که به عایت مورد تقدیر و ستایش قرار گرفت و خانواده سلطنتی خود مروج این آئین گردید. تاثیر آئین بودا بر خانواده سلطنتی به حدی بود که شاهزاده "شوتوکوتایشی" بنیاد نگذار واقعی بودیسم ژاپن شناخته شده است. شاهزاده بدلیل عملی بودن و تطابق و همسوئی فرقه "ماهایانا" <sup>(۱)</sup> با مبانی اخلاقی سنتی ژاپن بیشتر تحت تاثیر این فرقه قرار گرفت. چارلز موره <sup>(۲)</sup> در این رابطه می‌گوید.

"شاهزاده شوتوکو در بودیسم، اصولی جهان‌شمول را برای همه مردم اعم از حاکمان و توده مردم مشاهده کرد. و این اصول وی را در دستیابی و رسیدن به یک اتحاد ملی و اعمال رهبری تحت لوای روح قبیله دوستی کمک نمود".

بودیسم ماهایانا می‌آموزد که هر کس می‌تواند با تعریف و خودسازی و انصباط فردی بتدربیج به مرتبه بودا نایل آید. بودیسم ژاپنی بر اهمیت نهادهای بشری، اصول اخلاقی علمی، وجود آن کار خیر و رفاه انسانها و مبانی اخلاقی خانواده تاکید دارد. از ابتدای معرفی آئین بودا در ژاپن کاهنان بودائی با قبول مشاغل مختلف در رده‌های متفاوت و تحمل کارهای سنگین و کمک مادی و معنوی به مردم در اقصی نقاط کشور به تبلیغ مذهب بودا پرداختند. این خصوصیت بودیسم در ژاپن با آنچه که در هند و تاحدودی در چین به عدم تحرک و گوشش نشینی شهرت داشت، کاملاً متفاوت بود.

دکترین ویا <sup>(۳)</sup> موزه وحدت فکری <sup>(۴)</sup> از اهداف غایی وایده‌الیسم آئین بودا است، هر فرد باید تمام‌سعی و کوشش خود را در راه تزکیه نفس بنماید تا به حقیقت مطلق و وحدت فکری که همان مطلق وجود یا "بودا" است، و همچیز را در وجود خود دارد، دست یابد. زمانی که یک فرد تزکیه شد و خلوص نیت پیدا کرد، اختلاف بین ذهنیت و عینیت <sup>(۵)</sup> (خالق و مخلوق) از بین می‌رود، به عبارت دیگر وجود فردی با غایت وجود یکسان می‌شود. اگر نفس تزکیه شود هیچ جائی برای عدم خلوص و ناپاکی باقی نخواهد ماند. عدم خلوص و ناپاکی در بعضی افراد معلول جهل و ندادانی است.

هر کس باید برای فهم و درک محیط اطرافش به وجود و هستی خویش بصیرت یابد.

#### 1- The prince "Shotoku Taishi"

۲- ماهایانا (Mahayana) یکی از فرقه‌های بزرگ بودائی است.

3- Charles.A.Moore,1974,P.6

4- One mind

5- Object and subject

عالی هستی و جهان موجودات به ۱۵ قلمرو تقسیم و طبقه‌بندی شده است ، از ناپاکی مطلق تا تازکیه و خلوص مطلق (۱) (بودا) . از دیدگاه بودیسم تمام موجودات از جمله انسان بطور بالقوه قادر است بودا شود و بدین وسیله نجات یابد . این انعطاف‌پذیری در عقیده واپسی‌گویی بعزاپنی‌ها کمک کرده است تا در برابر مذاهب مختلف شکیبائی و تحمل نشان دهند .

یک ویژگی بودیسم در زاین پذیرش واستقبال از آئین بومی ژاپنیها - شینتو و همزیستی با آن در طول تاریخ بوده است ، اگرچه اختلافات و تضادهای نیز در بین آنها رخ داده است . بنابراین برای ژاپنی‌ها غیرعادی نیست که تشریفات تولد و ازدواج خود را در معابد شینتو (شراین) برگزار کنند در حالی که مراسم تدفین و عزاداری خود را در معابد بودائی به جای آورند .

زن بودیسم (۲) یکی دیگر از فرقه‌های مهم بودائیست که در چین ظهرور یافت و در ابتدای دوره کاماکورا (۳) (۱۱۸۵-۱۳۳۳) وارد زاین شد . آئین زن ، بیشتر مورد توجه و علاقه‌طبقة نظامیان تزار گرفت و اثرات ونتایج قابل توجهی بر شیوه زندگی روزمره و طرز تفکر آنها گذاشت ، این آئین نیز به عنوان یک مکتب فکری ، بودا محسوب می‌شود . بر طبق این مکتب باکوشن‌فردی ، خودسازی و بروز قدرتهای نهانی فردی می‌توان به حقیقت مطلق دست یافت . این مکتب همچنین اعتقاد دارد که خود خواهی و اندیشه به خواسته‌های فردی و بی‌اگرایشات فردی محدودیتی برای گسترش فکری و رسیدن به حقیقت مطلق پدیدمی‌آورد . درنتیجه به فکر دیگران بودن و رفاه تمام جهانیان را در نظر داشتن ، درک حقیقت مطلق و روشنی ضمیر را ممکن می‌سازد .

بودیسم در چارچوب اصول اصلی مذهب بومی ژاپنی‌ها "شینتو" به تحکیم اصولی می‌پردازد که ویژگی‌های رفتاری ژاپنی‌هارا در تمام ابعاد و بخصوص فعالیت‌های اقتصادی آنها را شدیداً "متاثرمی‌سازد" . رهبران بودیسم خود با پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی و قبول مشاغل سخت در جامعه ، آئین بودا را در زاین رواج دادند . آنها اصول اخلاقی ، وجودان کارونظام و انظباط در امور را سرلوحه آموخته‌ای خویش قرار دادند . بزرگترین سهم وارمغان آنها که امروزه در رفتارهای اقتصادی و مدیریت ژاپنی‌ها مورد توجه خاص می‌باشد

1- Absolute impurity to absolute purity

(یا به تعبیری از اسفل الساللین تا اعلیٰ علیین) (۱)

2- Zen Buddhism

3- Kamakura period

سنت جمع‌گرایی در مقابل گرایشات فردی است. فرد گرایی و گرایشات فردی را مذموم و ناپسند جلوه داده و کار وکوشش برای جمع را به عنوان ارزش‌وارای اجتماعی تعلیم دادند. زین بودیسم، یک فرقه از بودیسم، به انسان و خلاقیت فکری او آنقدر بی‌ما می‌دهد که در غایت خودسازی و تزکیه نفس اورا بودا و یا خدامی شمارد. بدین ترتیب بودیسم در تکمیل شینتویسم، ویژگی و خصوصیت‌های رادرجهٔ وحدت فکری و فرهنگی و دینامیک نمودن جامعه شکل داده و تثبیت می‌نماید.

### آئین کنفوویوس (۱)

مذاهب وارداتی ژاپن اغلب به وسیله فرهنگ و اعتقادات سنتی ژاپن تعدل و اصلاح شده‌اند. این تعدل و دخل و تصرف بر محور تقدس سرزمین و امپراطور که ارزش و معیار اصلی سیاسی-فرهنگی ژاپن است، دور می‌زند. در هر حال، توجه به حاکمیت اصالت عقل در ابعاد مذهبی و فلسفی آن تادوره توکوگاوا و بخصوص در اوایل دوره میجی بطور کامل تحقق خارجی نیافتهد. حاکمیت اصالت عقل یک ضرورت بنیادی برای توسعه اقتصادی در دوره‌های بعدی به شماره می‌رفت، زیرا خلاقیت و سازندگی ممکن نبود مگر اینکه طرز تفکر تمام جامعه از بند خرافات و جمود فکری آزاد می‌شد.

درین مذاهب مختلف وارداتی ژاپن، آئین کنفوویوس و شکل اصلاح شده آن "کنفوویوس جدید" بیشترین تاثیر رادر اصالت دادن به عقل در زمینه‌های فلسفه، اخلاق و روانشناسی داشته‌اند. مضافاً اینکه سهم آن در شکل‌گیری نظام آموزشی ژاپن نمی‌تواند نادیده انگاشته شود. بر عکس تأثیرتیسم - یکی دیگر از مذاهب وارداتی ژاپن - بدلیل عقیده داشتن به خرافات و سحر و جادو تاثیر متضادی را بر اصالت بخشیدن به عقل داشته است.

آئین کنفوویوس، در قرن پنجم از طریق کره به ژاپن وارد شد و تقریباً "دو قرن طول کشید تا پیروان زیادی در سرتاسر مناطق ژاپن پیدا کرد. آئین کنفوویوس همانند بودیسم،

۱- آئین کنفوویوس (Confucianism) بوسیله چانگ ایزو (Chang-Isu) و یا کنفوویوس در قرن پنجم تا ششم قبل از میلاد در چین پایه‌گذاری شد. کنفوویوس به عنوان مشهور ترین معلم، فیلسوف و تئوریسین سیاسی چین محسوب می‌شود که نظریات و افکار او تاثیر زیادی بر تمدن تمام کشورهای آسیای شرقی داشته است.

ساختار سیاسی و موروثی را که بر محور تقدس نهادی سرمیان و امپراطور دور می‌زند، استحکام بخشیده و سازگاری و توافق خاص را با آن داشته است. آئین کفووسیوس به عنوان "راه زندگی" تعبیر و تفسیر شده است. ایده‌آلیسم این مکتب را وجودی متعالی و برتر (۱) تشکیل می‌دهد. برطبق این مکتب فکری، تمام پدیده‌های طبیعی از آمیزش و اختلاط دو عنصر مذکور بنام "یانگ (۲)" و مونث بنام "یین (۳)" فریده شده‌اند که اولی عنصری روش ضمیر و مترقبی است و دومی عنصری تاریک و ارتقای است. (۴) فقط ارواح و مردمگان از این تعبیر مستثنی هستند. واژه‌ای که ارواح جاودانی هستند، باید محترم شمرده شوند و هدایایی چون غذا و نوشیدنی به آنها اعطا شود. بدین ترتیب پرستش اجداد به عنوان اصلی اساسی تلقی شده و خانواده واحد و هسته اصلی پیکره اجتماع محسوب می‌شود. در نتیجه، اصل اطاعت کامل و حتی کورکورانه فرزندان ازوالدین در زمان حیات و پس از مرگ (پیروی و متابعت از آرزوهای والدین) یک وظیفه مذهبی به شمار می‌رود. از این رو است که گاهی اوقات، آئین کفووسیوس را مذهب "پرستش اجداد (۵)" هم می‌گویند.

در تعالیم کفووسیوس به‌همیت بشر در میان دیگر مخلوقات جهان تاکید می‌شود. انسان موجودی ناچیز است که از رحمات و نعمات بی‌شمار خداوند متنعم می‌گردد، در نتیجه بزرگترین تعهد و مسئولیت را باید بردوش کشد. یک وظیفه و تعهد انسان سعی و کوشش در شکر گزاری و جبران نعمتهاخداوند بزرگ است، که البته انسان قادر به انجام کلیه وظایف محوله و جبران الطاف الهی نیست، اما باید سعی و کوشش پویا در جهت نیل به آن اهداف داشته باشد. خودسازی اخلاقی و معنوی یک قدم در این راه است که شکل کامل آن پیوند و وحدت با مبدأ اعلی است. تحقق این مرحله، کوشش و ممارست فراوانی را طلب می‌کند تا شخصیت فردی از درون تکامل یافته و انسجام یابد. پاکی قلب یک فرد از تمام کردارهای زشت و ناپسند، نیازمند به پاکی باطنی و درونی و همچنین پاکی و نظافت ظاهری است. در هر حال، خود پسندی بزرگترین گناه و عظیم‌ترین سد در راه نیل به اهداف متعالی بشمار می‌رود. در نتیجه، ایثار و از خود گذشتگی تاحد قربانی کردن خود در راه معبود و اهداف والای آن، برقرار کردن رابطه با الاترین بخشندگان، در نظر گرفتن کلیه کارهای

1- A supreme entity

2- Yang

3- Yin

۴- این تعبیر از عنصر مونث و مذکرو یا زن و مرد شاید مبنای اساسی برای تبعیضات

جنسي در زاپن در طول تاریخ بوده است.

5- Filial Piety

روزانه به عنوان خدمت به خداوند و رهبران سیاسی (رعایت وفاداری به امپراطور) و اطاعت و فرمانبرداری از والدین واجرای کامل تعهدات و وظایف نسبت به خانواده "پرستش و فرمانبرداری در خانواده" در زمرة اصول اساسی تعالیم کنفوشیوس است.

یکی از اصول اخلاقی آئین کنفوشیوس اصل پاکی ذاتی بشراست، انسان بطور فطری پاک و بی‌آلایش است. و بجای تحکم و تنبیه نیازمند به ارشاد و راهنمایی است. حاکمیت بر مردم باید از طریق تعالیم اخلاقی باشد و نه بوسیله قانون گذاری. اگر جامعه بر اساس این اصول رهبری شود، مردم بتدریج در خود یک حس شرم و حیارا پرورش و توسعه می‌دهند که می‌تواند بهترین ابزار کنترل فردی در جامعه قرار گیرد.

مفهوم و تعبیر عمومی "Filial Piety" در حوزه وسیعتر آن، در صورتی که به تمام جامعه تعمیم داده شود، بایکی دیگر از اصول کنفوشیوس یعنی وفاداری (۱) متداول نباشد. از این دیدگاه، تمام ملت به عنوان یک خانواده بزرگ فرض می‌شود که امپراطور در رأس این خانواده قرار می‌گیرد. و توده مردم مطابق با شعون، موقعیت ویا سن خود باید متعهد انجام این اصول باشند. اگرچه این اصل در بسیاری از موارد مورد سوء استفاده قرار گرفته و در بسیاری از جوامع و نهادها به اطاعت کورکرانه تعبیر و تفسیر شده است، ولی معنی حقیقی آن احترام و تکریم می‌باشد. تعمیم این مفهوم در معنای واقعی آن نیازمند به پرهیزکاری، سخاوت و درایت و دوراندیشی دولتمردان واجرای کامل وظایف توسط تمام مردم است. خصوصیات حاکم باید مدل والگو برای مردمش باشد آنچنانکه رفتار والدین الگو برای فرزندان است.

آئین کنفوشیوس در شکل اولیه‌اش، به ترتیب بر اصول ذیل اهمیت و تاکید می‌کند. خیرخواهی (۲) عدالت (۳)، داد و ستن مذهبی (۴)، دانش و آگاهی (۵)، صداقت و وفاداری (۶) و ایمان (۷). این اصول با هم مرتبط هستند و هر یکی ممکن است چندین اصل دیگر را شامل شود. اصل خیرخواهی فضیلتی است که باید در قلب همه انسانها جای گیرد. خانواده و پرستش و احترام به خانواده و اجداد (۸) و رعایت سلسله مراتب در

1- Loyalty

2- Benevolence (Jen)

3- Justice (i)

4- Ceremony (li)

5- Knowledge (chih)

6- Loyalty (chung)

7- Faith (hsin)

8- Filial piety

خانواده پایه و اساس عمل بعاین فضائل است. سازش و هماهنگی در بین مردم و عینیت یافتن اصل تفاهم و توافق<sup>(۱)</sup> عوامل تعیین کننده در تحقق و نیل به خیر خواهی است. تفسیر و تاکید ژاپنی‌ها از اصول و مراتب فضایل کنفوشیوس با تفسیر چینی‌ها تفاوت دارد. در ژاپن تاکید بیشتر بر صداقت و وفاداری است تا خیر خواهی. وفاداری در ژاپن به‌امین و صادق بودن فرد با خویشن خویش (ضمیر خود آگاه) و نهایت خلوص و ایثارش نسبت به‌ولی نعمتش تعییر شده است اما درک چینی‌ها از وفاداری فقط محدود به وجودان هر فرد می‌شود. این مفهوم در افراطی ترین حالت در کنفوشیوس ژاپن به فداکردن خویش برای اهداف جمعی (ملی) منتهی می‌شود. روابط طبقاتی و سلسله مراتب موجود در ژاپن که بر حسب اقتدار و موقعیت شغلی، روابط خونی و ملاحظات سنی می‌باشد. به ترتیب از اصول کنفوشیوسی: وفاداری، احترام و پرستش اجداد و والدین و احترام و تکریم نسبت به بزرگتر منتج شده است.

با توجه به تفاوت در تفسیر و تعبیر آئین کنفوشیوس در چین و ژاپن دو نکته مهم دیگر باید بیان گردد. نکته اول اینکه کنفوشیوس چینی به خیر خواهی و بشردوستی شهرت یافته در حالیکه کنفوشیوس ژاپن در آمیزش با آئین شینتو بیشتر به ملی‌گرائی و حس ناسیونالیستی توجه داشته است. به طوری که پرورش گرایشات ناسیونالیستی و وطن‌پرستی، شرایط مقدماتی را برای استقرار نظام ملی، هماهنگی و اتحاد تحت رهبری اسمی و یا عملی حاکمیت امپراطور فراهم نمود.

نکته دوم اینکه، برطبق آئین کنفوشیوس مرحله غایی هر جامعه‌ای سکون است. در نتیجه هر تحول و تغییری غیر ضروری خواهد بود. این دیدگاه بیشتر در جامعه چین انعکاس یافته و ژاپنی‌ها آنرا نادیده انگاشته‌اند. کنفوشیوس ژاپن تحرک و کوشش و پیوایی را مورد تمجید و ستایش قرار می‌دهد و با اعتکاف و گوش نشینی در همه اشکالش مخالفت می‌ورزد.

در مورد مبدأ و منبع برخی رفتارهای اخلاقی که به آئین کنفوشیوس نسبت داده می‌شود اختلاف نظر وجود دارد. به عنوان مثال بعضی معتقدند که خصوصیت خیر خواهی و عشق بدیگران از رسوم باستانی ژاپنی‌ها ریشه گرفته و توسط آئین شینتو راهه شده است. این مفهوم بطور کامل با عشق و علاوه‌به طبیعت که به وضوح یک خصوصیت ژاپنی است، مرتبط می‌باشد بحثهای مشابهی در مورد ریشه و بنای "سازگاری" و توافق وجود دارد. گفته می‌شود

که مفهوم سازگاری و تواافق از جمله ویژگی های موروثی و باستانی شناخته شده ژاپنی هاست و از زمان های قدیم به این مفاهیم ارزش و بهای زیادی می داده اند. در اولین ماده از قانون اساسی هفده ماده ای نوشته شده توسط شوتوکو (۶۲۲ - ۵۷۴) به اهمیت تواافق و تفاهم وجود وستی در کلیه مباحثات و مرادوات تاکید شده است. اگرچه این اعتقاد وجود دارد که خود این قانون اساسی متأثر از تعالیم کنفوشیوس و آئین بودیسم بوده است.

اختلاف بر سر ریشه واقعی مفاهیم در این بررسی مورد توجه نیست، اما وجود آنها بعنوان ارزش های محوری جامعه ای و نفوذ و تاثیر آنها بر فتاوارهای اجتماعی مردم ژاپن اهمیت بسیار دارد. کاربرد و اثرات مفاهیم خیرخواهی و سازگاری و تواافق، بر جامعه ژاپن بسیار زیاد است و تنها به ذکر چند نکته در اینجا اکتفامی کنیم:

اولاً "درجات اجتماعی" که امتیازات طبقاتی وجود طبقات مختلف به صورت گسترده ای به رسمیت شناخته می شد، حاکمیت چنین ارزش هایی در حد زیادی از کشمکشها و نازاری بین طبقات مختلف می کاست و مشاجرات و نزاع های مابین طبقات بالا و پائین اجتماع و بین طبقات عامه مردم را تقلیل می داد.

ثانیاً "معیارهای مذبور تصمیم گیری مستبدانه" را در همه مذاکرات و در بین همه اجتماعات نهی می نمود و البته تصمیم گیری که بر مبنای مشاوره و بحث بین همه اعضای ذینفع یک جامعه باشد بطور یقین نتیجه صحیح تر و مفید تر می دهد. مفهوم شناخته شده تواافق بدون رای گیری در جامعه گروه گرای ژاپن که به عنوان یکی از ویژگی های منحصر بفرد ژاپنی ها در مراحل تصمیم گیری می باشد، بر مبنای همین معیار و ارزش اخلاقی قرار دارد.

ثالثاً "حاکمیت این ارزشها باعث شده که مشاجرات و بحث وجدال ها عموماً از طریق افراد میانجی فرونشانده شده و به دادگاه و محکم قضائی کشیده نشود".

آئین کنفوشیوس ضمن پذیرش اصول اولیه شینتو و سازگاری و تواافق با ارزش های حاکم بر جامعه ژاپن خود مبتکر روش های نوین و پایه گذار اصولی سازنده برای آن جامعه می باشد. این آئین بدلیل تاکید بر درایت و تفکر بیشتر به صورت یک روش فکری و فلسفی شناخته شده است تا یک مذهب و آئین معنوی. تعالیم کنفوشیوس حاکمیت و اصالحت عقل را تنها روش آزاد کردن انسان از جمود فکری می داند. در نتیجه رهاییدن فکر از او ها و

خرافات زمینه برای رشد فکری و خلاقیت فردی و جمعی فرامه می‌آید، تعالیم این آئین به نظام خانواده انسجام خاص می‌بخشد و احترام و پرستش اجداد را در جامعه ژاپن رونق می‌بخشد. این مکتب توانست اثرات فراوانی در چگونگی رفتار اقتصادی – سیاسی ژاپنی‌ها بجای گذارد. یکی از این اثرات، انسجام و یکپارچگی ملی براساس اصل احترام به خانواده و بخصوص احترام و پرستش رهبران سیاسی به عنوان رئیس خانواده کشوری بوده و دیگری اصل مشهور توافق و تفاهم می‌باشد که از اصول و ویژگی‌های منحصر بفرد مدیریت ژاپنی در حال حاضر به حساب می‌آید و همین اصل در امور سیاسی، اجتماعی توانسته است بسیاری از تنشها و ناهنجاری‌های اجتماعی را کاهش دهد.

### شكل‌گیری اهداف جمعی (۱) در دوره توکوگawa اوایل دوره میجی

تاکنون ریشه‌ها و میانی بعضی از اصول اخلاقی و معنوی تعالیم شینتو، بودا و کنفوشیوس را به اعمال مورد بررسی قراردادیم و اکنون اهمیت این مفاهیم را زمانی که در شکل بخشیدن به ساختار و بافت نظام نقش یافتند، به ویژه زمانی که این اصول به صورت اهداف‌الای اجتماعی (جمعی) ظهرور یافتند و توسط جامعه طبقاتی متعصب دوره توکوگawa در بیش از دو قرن سیاست انزواطلبی آنها مورد عمل واقع شد، مورد بازنگری و توجه قرار می‌دهیم.

پس از قرن‌ها، آشوب و اضطراب و نازارهای سیاسی، دوره توکوگawa (۱۸۶۸-۱۶۰۳) با یک نظام ملکوک‌الطاویفی آغاز می‌شود. "توکوگawa ایاسو (۲)" بنیان‌گذار رژیم، ملت را یکپارچه و متحده نمود و بنام امپراتور "شوگونت" (۳) قدرت و حاکمیت خویش را بر تمام استانها و ولایات اعمال نمود. از خصوصیات ویژه این حاکمیت ساخت طبقاتی انعطاف ناپذیر آن بود.

### ساخت طبقاتی:

دولت توکوگawa (باکوفو) (۴) حاکمیت خود را از طریق یک نظام ماهرانه "نظرارت

(۱) – اهداف جمعی Integrated goals ( ) به کلیه ارزش‌ها و معیارهای گفته می‌شود که به نحوی اشتراک و وحدت اشار مختلف جامعه را سبب می‌شود.

2- Tokugawa Ieyasu

3- Shogunate

4- Bakufu

و توازن (۱) "ابقاء نمود. با کوفو تمام منابع اغتشاش و آشفتگی را یا به وسیله قدرت و یا از طریق پاداش و تطمیع زیرکنترل شدید خود درآورد. امپراطور تحت مراقبت شدید قرار گرفت و کلیه ملاقات‌های او کنترل و نظارت می‌شد سران فعودال (دایمیو) (۲) با "احصار متناوب (۳)" تحت نظر قرار گرفتند. بدین ترتیب که هر "دایمیو": مجبور بود چند ماهی از سال و یا هر یک سال در میان رادرپایتخت ادو (توکیو) بگذارند و در طی مدتی که به منطقه تحت حاکمیت خود بازمی‌گشت، خانواده خود را به عنوان گروگان در پایتخت به جای می‌گذاشت. دولت کنترل شدید خود را با تحمیل یک ساخت طبقاتی موروثی بر تعام جامعه تسری داد. در این ساخت طبقاتی مردم ژاپن بر طبق موقعیت اجتماعی و کارآئی و مولد بودن در اجتماع به چهار طبقه تقسیم می‌شدند.

طبقه‌نظامی حاکم یا "طبقه" سپاهی (۵) "شامل" دایمیو و "سامورایی‌ها" (از بالاترین مقامات تا سربازان دون‌پا) که تقریباً ۱۵ درصد از کل جمعیت را تشکیل می‌دادند و بالاترین طبقه اجتماعی بحساب می‌آمدند. دوم کشاورزان که اکثریت عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دادند و سپس صنعتگران و درنیاهای تجارت و کسبه قرار داشتند. در این طبقه بندی تجار پائین ترین قشر طبقاتی جامعه محسوب می‌شدند زیرا عقیده داشتند که آنان غیر مولدت‌ترین قشر جامعه هستند.

دولت قوانین و مقررات گوناگونی را در داخل هر طبقه و بین طبقات مختلف به منظور کنترل کامل تمام احاداد جامعه، اعمال نمود. سامورایی‌ها از دخالت در هر حرفة و فعالیت تجاری منع شدند ولذا مجبور بودند به حقوق و واجبی که عموماً از طریق مالیات بر تولید برنج جمع‌آوری می‌شد متکی باشند، بخشها و حکومت‌های مختلف قانوناً نمی‌توانستند با یکدیگر میادله تجاری داشته باشند، و مجبور بودند مازاد برنج خود را دو تبادل با کالاهای دیگر در مراکز شهرها به فروش رسانند. در نتیجه، جاده‌های زیادی احداث شد و مراکز تجاری نظیر اوساکا (۶) و ادو با جمعیت تجاری عظیمی شکل گرفتند. کم کم بازارگانان که زمانی از نظر اجتماعی بی‌اهمیت بودند، قدرت واقعی خود را از طریق ثروتشان کسب نمودند و خانه‌های تجاری (۷) سازمان یافته‌ای را بنا نهادند که بیشترین سهم را در شکل دادن به نظام سرمایه‌داری جدید در این کشور به عنده داشت.

1- Check and balance

2- Daimyo

3- Alternative attendance

4- Edo

5- The Warrior class

6- Osaka

7- Merchant house

### نظام ارزشی متمرکز:

پک نظام اداری سازمان یافته همراه با نیروهای نظامی مجرب و متخصص، برای نفوذ حاکمیت نظام طبقاتی توکوگاوا پک ضرورت بود، اما تسلط سیاسی کافی بر تعامل اشار جامعه نیازمند عاملی تشكل دهنده و وحدت بخش است که از طرفی بین دولت و سپاهیان و از طرف دیگر بین طبقه حاکمه و توده مردم بوجود آید بنابراین، آنها مجبور بودند معیارهای اخلاقی و معنوی را که زمینه سنتی در جامعه داشت رونق بخشیده و رواج دهنده، بخصوص برآولویت ارزش‌های سیاسی اصرار ورزند.

اولویت دادن به ارزش‌های سیاسی از لحاظ تاریخی به چگونگی و انگیزه تاسیس دولت در ژاپن برمی‌گردد. اعتقاد براین است که پیدایش آئین شینتو به منظور سلطه سیاسی حاکمان اولیه دولت در ژاپن بود و مذاهب وارداتی نیز در طی تاریخ فقط وقتی به طور رسمی مورد حمایت قرار گرفته‌اند که همگام و در خط حاکمیت سیاسی آن زمان بودند. بر طبق آئین شینتو، چنانچه قبل "ذکر شد، رئیس دولت یعنی امپراتور به عنوان خدامورد توجه بود و بربیوند اوبارب‌النوع خورشید و تداوم واستمرار یک‌سلسله پادشاهی بلاقطع تاکید شده است. همچنین ظهور اولیه و توسعه و گسترش بودیسم توسط اطرافیان قدرتمند پادشاه و خود در بار سلطنتی صورت گرفت. تعالیم بودا، به طور آشکار به سلسله مراتب سیاسی توجه داشته و از آن پشتیبانی و حمایت نموده است. اگرچه رواج سحر و جادو اثرات سوئی را بر عقل گرایی سیاسی (۱) داشته است. به علاوه، تعالیم کنفوشیوس تاثیرات بسیار عمیقی در شکوفائی و تبلور نظام ارزشی متمرکز داشته و کمک فراوان در گسترش و بسط عقل‌گرایی سیاسی بخصوص در دوره توکوگاوا داشته است. فضیلت کنفوشیوسی "احترام و پرستش والدین و اجداد" که طی قرن‌هادر جامعه ژاپن رسوخ نموده بود با چهره‌ای جدید، ارزش‌های معنوی و اخلاقی خانواده‌را استحکام بخشید. این مفهوم در تلقیق و ترکیب با مفهوم وفاداری، تصوری جدید از خانواده بزرگ ژاپن و ملت ژاپن بعره‌بری امپراتور در اذهان عمومی به وجود آرد. رعایت اولویت ارزشها و معیارهای سیاسی در طول دوره توکوگاوا به عنوان هدف جمعی و والای اجتماعی تفسیر می‌شد و محور و اساس این ارزشها و فداداری بود. بنابراین اصالت فرد، مورد توجه نبود بلکه موقعیت اجتماعی او معیار قرار می‌گرفت. اگر چه عملکرد فردی، یک انگیزه‌تعیین کننده در دستیابی به موقعیت‌های بالاتر بود ولی به کوشش‌های فردی و موفقیت‌های حاصله در چهارچوب اهداف جمعی نگاه می‌شد. لذا هر حرکت و

کوشش که تقویت کننده این اهداف مشترک می‌بود، باید تحسین و تائید می‌شد و هر آنچه در مغایرت با آن بود رد می‌شد.

**شکل‌گیری شخصیت فردی :** در جامعه متصرکی که اهداف مشترک و جمعی بر هر خواسته و هدف دیگر از دید همه افراد اولویت و برتری دارد و عدم موفقیت فردی نیز یک وظیفه مسئولیت‌گروهی به شمار می‌آید، دانستن این که یک فرد چگونه پرورش می‌یابد، آموزش می‌بیند و تربیت می‌شود تا سازگار با جامعه باشد و کفایت و صلاحیت خدمت به اجتماع را بیابد بسیار با اهمیت است.

گفته می‌شود که با بچه‌ها در اوایل طفولیت با روش مسالمت آمیز والبته با حفظ نظم و انصباط رفتار می‌شود و زمانی که بزرگتر می‌شوند کلیه رفتار و اعمال آنها در کنترل و نظرات شدید قرار می‌گیرد در این سنین هم خانواده و هم جامعه از آنها انتظار دارند که عملکرد مطلوبی داشته باشند. بنابراین اگر به هر دلیلی، فردی قادر به تنظیم و موزون ساختن امور و رفتار خود در چارچوب رسوم و قواعد مورد قبول اجتماع نباشد این تهدید برای او وجود دارد که به متداولترین فشار و تنبیه روانی یعنی طرد شدن و یا منزوی شدن از جامعه گرفتار شود. برای جامعه متعصب و بسته دوره توکوگاوا طرد شدن از خانواده همانند طرد شدن از جامعه، سمبول سخت ترین مجازات و تنبیه بوده است. اساس تعلیم و تربیت کودکان بر محور تعهدشان نسبت به حفظ ارزش‌ها و نیازهای عملی دور می‌زد، به کوشش و تخصص و عملکرد فرد فقط در رابطه با سهمی که این کوشش‌ها به عنوان یک وظیفه و یا به عنوان تنویر افکار داشت بهداشت می‌شد و نه صرفاً "بخاطر اهداف شخصی فرد".

در یک خانواده دوره توکوگاوا وظیفه اصلی و مرکزی به عهده شوهر گذاشته شده بود و او مورد احترام و تکریم کلیه اعضای خانواده قرار داشت. موقعیت و نقش کودکان در خانواده به اقتضای سن و جنس آنها تعیین می‌شد. معمولاً "پسرارشد خانواده" مورد توجه و رسیدگی بیشتری قرار می‌گرفت و مسئولیت بیشتری را نیز عهده دار بود. پسر ارشد کلیه دارایی‌های پدر را به ارث می‌برد و درخانه پدری نیز سکونت می‌گزید و در مقابل، متعهد نگهداری و حمایت از ولدین پیر خود بود. پسران کوچکتر می‌باشند و خانه پدری را ترک کنند و خانه و خانواده مستقلی را به عنوان شاخه‌ای از خانواده اصلی تشکیل دهند.

"زنان عموماً" موقعیت پائین‌تری را در خانواده و جامعه داشتند. دختران اصولاً بانگرسن ازدواج و ترک خانواده پرورش می‌یافتنند. اگرچه بعضی از زنان، هم در طبقات بالای اجتماع و هم در روستاهای تجهیزات و وظایف سنگینی را در رابطه با اداره امور خانواده و تهییه ملزمات خانه متحمل می‌شدند. آنها علاوه بر مسئولیت خانه‌داری مجبور بودند در

انجام کارهای سخت و طاقت فرسای کشاورزی شریک و سهیم باشد.

بررسی مختصر زندگی یک فرد دریک "خانه تجاری" در دوره توکوگاوا احتمالاً بسیاری از مسائل مربوط به اشتغال تمام عمر دیگر خصوصیات مرتبط با زندگی شغلی ژاپنی ها را روشن می کند. اما یک تجزیه و تحلیل کامل از نظام رفتاری این نهادهای تجاری و شرکتهای توسعه یافته پیشتر بنام "زای باتسو" (۱) که مطمئناً تفاوت های اصولی میان شرکتهای ژاپنی و غیر ژاپنی را آشکار می سازد، از حوصله این گفتار خارج است.

مشاغل تجاری در طی قسمت اعظم دوره توکوگاوا اغلب بصورت واحدهای کوچکی بودند که توسط اعضا خانواده اداره می شدند. ساخت اجتماعی طبقاتی رژیم "باکوفو" مسئول تغییرات سریع در وضعیت و موقعیت طبقات مختلف به نفع تجار و کسبه بود و نیروها و عوامل درونی نظام، توسعه و بسط تجارت و خانه های تجاری را با شاخه های متعدد و در رشته های مختلف با یک سیستم مدیریت سازمان داده شده، سبب شد. خانه های تجاری شرکت های بازرگانی و دیگر واحدهای تجاری مانند هر اجتماع دیگر در دوره توکوگاوا خود را متعهد و وفادار به ارزش های پذیرفته شده جامعه می دانستند، و علاوه بر آن مقررات و سنن دیگر مخصوص بخود نیزداشتند که می بایستی بطور جدی توسط اعضاء به اجرا گذاشته شود.

افرادی که جدیداً در خانه های تجاری استخدام می شدند، عموماً از بستگان صاحبان خانه های تجاری و یا کودکان واحدهای تابع آنها بودند که به عنوان نوآموز (در حدود سن ۱۵ سالگی) پذیرفته می شدند. وظیفه این نوآموزان در مراحل اولیه استخدام به صورت کار ساده در حدیک شاگرد پادوبود. استاد کار، خوراک و پوشاش اورا فراهم می نمود اما تا حدود ۱۸ تا ۲۰ سالگی که به عنوان یک شاگرد رسمی شناخته می شد، دستمزدی را دریافت نمی نمود.

شاگرد مزبور، علاوه بر خواندن و نوشتمن و حسابداری ساده، امور مربوط به کسب و تجارت را تزد استاد خود می آموخت. و با اثبات صداقت و وفاداری، کم کم مسئولیت های بیشتری را به عهده می گرفت و کارهای مهمتری بخوارجاع می شد. بعد از حدود ۲۵ سال کار مداوم و اثبات لیاقت و شایستگی، فرد استخدام شده می توانست از استاد کار خود، درخواست افتتاح شعبه جدیدی را بنماید. که عموماً سرمایه، محل کار و نام شعبه توسط خانه اصلی فراهم و تعیین می شد و همکاری و تشریک مساعی کامل بین شعبات و خانه اصلی برای چندین

نسل دوام می‌یافتد.

رابطه بین شاگرد و رئیس خانه تجاری (استاد) یک رابطه ساده و معمول بین کارگروکارفرما نبود، بلکه افراد مذبور به عنوان اعضای خانواده بازرگان به حساب می‌آمدند و در بسیاری از موارد بادختران آن خانواده ازدواج می‌کردند. آنها در بسیاری از امور مهم‌مورد مشورت قرار می‌گرفتند و مدیریت امور خانواده به آنها سپرده می‌شد. در حقیقت افرادی که به عضویت خانه تجاری در می‌آمدند، تحت تاثیر شدید استاد کارخود قرار می‌گرفتند. آنها تحت آموخته‌ها و دستورات استاد کارو خانواده تجاری پرورش می‌یافتند، تحصیل می‌کردند و تربیت و انضباط می‌آموختند. در صورتی که فرد استخدام شده مرتکب رفتار جدا "ناپسندی می‌شد نه تنها از خانه تجاری اخراج می‌شد بلکه در لیست سیاه قرار گرفته و از طریق یک "اتحادیه صنفی سازمان داده شده" خانه‌های تجاری دیگر را مطلع می‌نمودند و فرد مذکور برای همیشه از ورود مجدد به آن حرفه منع می‌شد.

بادرنظر گرفتن نظام منسجم خانه‌های تجاری واولویت دادن به مجموعه ارزش‌های شناخته شده نظام، برای فردی که در گیر مسائل تجاری می‌شد، تنها انتخابی که وجود داشت این بود که زندگیش را بطور کامل وقف شغلش بنماید و عملکرد متمایز و چشمگیری را با کارو کوشش جدی خود ارائه نماید تا بتواند در سیستم باقی مانده وارتقاء یابد.

رفتار اقتصادی و حفظ وجودان کار؛ زاپنی هادر همه جا به عنوان مردمی سخت کوش و پرکار شناخته شده‌اند. آنها نسبت به کار و شغلی که دارند جدی هستند و در کسب علوم و نظریات جدید و فراگیری‌شیوه‌ها و تکنیک‌های نوبسیار کنجدکاو پر حرارت هستند. آنها الگوی مصرف خوبی را محدود و منطبق با شیوه مصرفی باستانی خوبیش (حداقل تقابل از جنگ جهانی دوم) نگاه داشته و هنوز بالاترین نسبت پس انداز به درآمد را در بین تمام کشورهای صنعتی دارند. مقتضبودن و سخت کوشی از جمله موارد برجسته طرز تفکر زاپنی هاست، تعالیم اخلاقی و معنوی مذاهب و مکاتب فکری گوناگون نیز فقط در صورتی که به عینیت و واقعیت روابط انسانی تاکید داشتند، مورد قبول عامه واقع می‌شدند. اگرچه بعضی از عقاید خرافی در شکل‌گیری قسمتی از عقاید باستانی آنها تاثیر داشته و هنوز در بعضی از معابد بودائی می‌توان آنها را مشاهده نمود.

در بین فرقه‌های مختلف بودایی "بودیسم ماهایانا" که پیروان خود را تشویق به یافتن حقیقت مطلق از گذرگاه زندگی دنیوی می‌کند، بطور گسترده‌ای مورد توجه و قبول عامه قرار گرفته است. در مقابل، همان‌طوری که قبله "اشاره شد، نظریه سکوت و سکون

کفوسیوس چین به شدت رد شده و به جای آن تحرک و فعالیت مورد ستایش و تمجید واقع شده است . در رابطه با یک فرقه مشخص آئین کفوسیوس " اگیوسوراژی (۱)" (یکی از رهبران فکری کفوسیوس دوره توکوگاوا ) می گوید که قماربازی براعتکاف جهت مکاشته و سیر و سلوک قلبی ارجحیت دارد . بنابراین عجیب نیست که بودیسم موفقیت خود را از طریق تاکید بروجدان کار ، احترام و تکریم هر نوع حرفه و شغل و خدمت سازنده برای مردم بدست می آورد . و حتی ترویج تعليمات و دیدگاههای عقیدتی خود را از طریق فعالیت‌های مختلف عام المنفعه بانجام می رساند . وجدان کارتاحدی ، در بین همکان مورد توجه است که بعضی از نویسندها در آن به عنوان " اعتیاد به کار (۲)" یاد کردند . و این خصوصیت اعتیاد به کار و یا طرز تلقی رجحان کار به بیکاری یکی از ویژگیهای عمومی و پذیرفته شده در جامعه است .

در میان مذاهب مختلف در ژاپن ، آئین کفوسیوس یک طولانی در تشویق به مقتصد بودن دارد . برطبق این آئین یک انسان باید تعاملات و تقاضاهای خود را برای کالاهای محدود سازد (صرف کمتر) و در عوض تمام کوشش وهم خود را در راه تولید بیشتر بکار بینند ، (تولید بیشتر) . این عمل موجب می شود تا قابل انسان تزریکه ، نظامی متعادل برقرار و دستیابی به اهداف اساسی نظام ، ممکن شود . اهمیت این تعالیم بیشتر به خاطر پیوندی است که بین رفتارهای اقتصادی و ارزش‌های نظام مرکز است . تاکید بر ساخت کوشی به عنوان نشانه‌ای از ایثار و فداکاری و از خود گذشتگی در راه پروردگار ، در نظر گرفتن حرفه و شغل به عنوان دین فرد نسبت به اجتماع و توجه و دقت در مصارف شخصی ، بخصوص قطع مصارف غیر ضروری ولوکس به عنوان یک وظیفه مذهبی ، از جمله نکات مهم این تعالیم در امور اقتصادی است . دیدگاههای آئین کفوسیوس در رابطه با پیکره و نهاد اجتماعی ، سازگاری و همزیستی را بین تمام حرف و مشاغل تقویت نمود و زمینه فلسفی برای برقراری وابقای این هماهنگی در بین تمام اشاره‌جامعة تهیه و تدارک دید . حالت توازن و هماهنگی می باشد که در بین کلیه بخش‌های اقتصادی و بین این بخشها و دیگر اعضای اجتماعی وجود داشته باشد . بنابراین باید به کارکشاورزان و صنعتگران و بازرگانان بایک دید نگریسته شود ، زیرا کار ، خود هدف نیست بلکه وظیفه هر فرد نسبت به اجتماعی شیرای دستیابی و تحقق اهداف اجتماعی و ابقاء تعادل در جامعه است .

1- Ogyu sorai

2- Workholism

در میان طبقات مختلف جامعه توکوگاوا طبقه سپاهیان (سامورایی‌ها) تحت آموزش مستقیم ایدئولوژی کفووسیوی بودند و به طور قابل توجهی متأثر از این تعلیمات شدند. این گروه از آن جاییکمبالاترین رتبه و مسئولیت اجتماعی را داشتند، تحت مراقبت شدید بوده‌اند. باستی کمپاسدار و حافظ ارزش‌های نظام حاکم باشند. رفتار اقتصادی این طبقه دو نتیجه تعیین کننده برای تمامی جامعه در برداشت.

اولاً، در آنها بر مالیات اخذ شده از کشاورزان استوار بود و از نظر فعالیت‌های شغلی نیز در محدودیت قرار داشتند (حداقل برای قسمت‌اعظم دوره توکوگاوا) بنابراین آنها فقط مصرف کننده بودند و رفتار مصرفی آنها که در چارچوب درآمد مشخصی بود بر تعامل جامعه اثر می‌گذاشت.

ثانیاً، این عقیده وجود دارد که تعداد زیادی از سامورایی‌ها در طی دوره میجی پیش‌کام در فعالیت‌های تجاری و صنایع بودند و انتقال اخلاق اقتصادی موروثی ایشان به زندگی تجاری انگیزه اساسی و یک ضرورت بزرگ برای توسعه کشور بود.

دستورات و آموزش‌های مذهبی بر اخلاق اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی مستمر و پیگیر دولت را تقویت نمود و آگاهی‌های معنوی، منجر به حفظ و جدان کاروالگوی مصرفی خاصی شدکه (حداقل تا قبل از جنگ جهانی دوم) در مقابل هجوم کالاهای متنوع غربی تغییری نیافت، درحالی‌که متسافنانه‌این موج جدید به اصطلاح شرب‌گرایی به ویرانی و نابودی عادات مصرفی سنتی و شالوده و اساس اقتصاد تمامی کشورهای جهان سوم منتهی شد.

دولت توکوگاوا، علیرغم ساخت‌طبقاتی شدید آن علاوه فراوانی به بهسازی رفاه اجتماعی و توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی داشت. آنها به خوبی درک کرده بودند که رفاه اقتصادی عامه مردم متنضم ثبات سیاسی درازمدت خواهد بود، به علاوه حاکمیت ارزش‌های معنوی و وجود سازگاری در رفتارهای اجتماعی همراه با ثبات سیاسی، استفاده کاراتراز کلیه منابع جامعه را در دستیابی به اهداف والای جمعی ممکن می‌سازد. بنابراین دولت نیروهای فراوانی را صرف یکپارچگی رفتار اجتماعی، سنتی وزبان در کلیه مناطق کشور نمود. به علاوه، دولت سیاست‌های توسعه اقتصادی چندی را از طریق فعالیت‌های مالیاتی، وکم‌های مستقیم وغیر مستقیم دیگر به‌اجرا گذاشت، کشاورزان را تشویق نمود تا زمینهای زیادی را به زیر کشت برند و بهره‌وری زمینهای زیر کشت قبلی را افزایش دهند. کوشش‌های بسیاری در رابطه با آبیاری و زهکشی به عمل آمد، گیاهان جدیدی را معرفی نموده و آگاهی‌های صحیحی در رابطه با توسعه و بهبود کمی و کیفی محصولات قبلی به کشاورزان داده شد. دولت همچنین راء سا "مسئولیت تاسیس و توسعه بسیاری از صنایع

را بر عهده گرفت، جاده های زیادی را احداث کرده و شبکه های ارتباطی بین روستاهای مرکز شهری را تسهیل نمود. و سرانجام مساعی و کوشش های دولت توکوگاوا جهت تمرکز و کنترل بیشتر اقتصادی و تاسیس یک سیستم تک قیمتی به استاندارد شدن بسیاری از کالاهای انجامید که قدمی بسیار مثبت در راه بهبود و تعالی نظام تجاري سنتی محسوب می شود.

**انزواطلیبی :** انزوای خودخواسته بیش از ۲۵۰ سال که اکثر دوره توکوگاوا را شامل می شد، یک واقعه مهم تاریخ ژاپن بود که با تدایر و روش های سیاسی موفق، تسلط تعالیم کفوسیوس، حفظ و تقویت نظام ارزشی متمرکز و در عین حال سیاست نسبتاً "ناموفق اقتصادی، مشخص و متمایز می شود. نشان و مشخصه اصلی دوره قبل از توکوگاوا، عدم اتحاد و جنگ و نزاع ویرانگر بود، درحالیکه توکوگاوا وحدت و یکپارچگی و ثبات سیاسی به کشور بخشید. سیاست انزواطلیبی دوره توکوگاوا نسبت به کشورهای غربی که دایره شوم و بسته سنتی خرافی راشکسته بودند و قد مهای اولیه در راه توسعه و پیشرفت سریع داخلی و خارجی برداشته بودند، یک شکست و عقب ماندگی به حساب می آمد ولی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه که قربانی تجاوز گریها و استعمار مستقیم و غیرمستقیم غرب قرار گرفته بودند این سیاست یک موفقیت محسوب می شود و در حقیقت ملت ژاپن در پرتواین سیاست فرصتی یافت تا اتحاد و انسجام پابد و ارزش های اخلاقی سنتی و فرهنگی خویش را ابقاء نماید.

با توجه به اهمیت ارزش های سیاسی برای دولت شوگونال، گسترش مسیحیت یک خطروتهدید نسبت به اساس موجودیت دولت در بسیاری از موارد به حساب می آمد. اولاً، رهبران کشور بیم داشتند که اعتقاد نسبت به خداوند در دین مسیحیت عاملی تشتت آفرین در عقیده مردم خواهد بود زیرا آئین مسیح با تقدس سرزمین و الوهیت امپراتور ناسازگار و مانع مجمع بود. ثانیاً، گرایش بسیاری از حاکمان محلی (دایموها) به مسیحیت و پیوند قوی آنها با دولتهای غربی از طریق میسیونرهای مسیحی مبنای تضعیف قدرت انحصاری شوگون بود. ثالثاً، نظریه اینکه استعمار بسیاری از کشورها ابتدا توسط نفوذ و دخالت میسیونرها مسیحی آغاز می شد، ترس روزافزونی از تسلط سیاسی و اقتصادی خارجیان وجود داشت. عوامل مذکور به عنوان علل اصلی قتل عام مسیحیان در اوایل قرن هفدهم بشمار می آید. اگرچه، اعدام و قتل عام مردم با هیچ دلیلی نمی تواند توجیه پذیر باشد (۱).

۱- تعقیب و آزار مسیحیان در سال ۱۶۱۳ شروع شد و در سال ۱۶۱۷ مسیحیان بومی و اروپائی محکوم به اعدام می شدند و بالاخره این سیاست تمام مسیحیان ژاپنی را که می خواستند نسبت به عقیده خود وفادار بمانند، شامل شد (Meyer, W.m. pp. 89-92)

با پی بردن به خطوط سلط خارجیان، دولت توکوگاوا، ابتدا اسپانیولی‌ها را در سال ۱۶۲۴، پرتغالی‌ها را در سال ۱۶۳۸ و سرانجام در اوخر سال ۱۹۴۵ تمام اتباع خارجی را از کشور اخراج کرد و مسافرت بین کشور‌زاین و کشورهای دیگر را منوع ساخت. با استثنای مفادلات محدودی که با هلندیها و چینی‌ها در جزیره شیما<sup>(۱)</sup> (جزیره کوچکی در بندر ناکازاکی) تحت کنترل بسیار شدید برقرار بوده به علاوه چینی‌ها روابط و مراودات بسیار محدودی را به صورت انفرادی با حاکمان محلی و بعضی از مناطق داشتند.

گفته می‌شود که انزوای ژاپن یک خلاء تکنولوژیکی را بین این کشور و کشورهای غربی باعث شد. وجود این فاصله عریض تکنولوژیکی بین ژاپن و غرب در پایان دوره توکوگاوانی‌تواند تکذیب شود، اما یک سیاست درهای باز نیز نمی‌توانست تضمینی کامل برای پیشرفت تکنولوژی و توسعه اقتصادی ژاپن باشد. بر عکس، با اتخاذ سیاستهای درهای باز، احتمال زیادی وجود داشت که میراث فرهنگی واستقلال ملی مورد مخاطره قرار گیرد، همان‌طوری که بسیاری از کشورهای جهان سوم دچار چنین سرنوشتی شده‌اند. از بعد اقتصادی سیاست انزوا، یک سیاست حمایتی غیر مستقیم از صنایع دستی ژاپن محسوب می‌شود. سیاست تجارت آزادبرای کشورهای در حال توسعه ویرانی کامل ساخت صنایع سنتی بین کشورهارا دربرداشت‌هاست و بازار مناسب و گسترش‌های را برای کالاهای ساخته شده غرب نراهم می‌آورد و یا در نهایت این کشورها ممکن است با ماشینهای و ابزار تولید وارداتی از غرب به تولید کالا بپردازند که نه دانش و نه توانایی ساخت و تولید محلی این چنین ماشینهایی را دارند. سیاست درهای بسته (انزوا) ژاپن را مجبور ساخت به تولید کالاهای بپردازد که قبل از انزوا مجبور بود آنها را وارد کند، به علاوه قابلیت توازن خود را در بسیاری از جهات که پیش‌نیازی برای توسعه بود افزایش دهد، به ویژه در طی این دوره منابع عظیم سیروی انسانی فراهم شد.

دوره انزوا فرست بی‌نظیری را برای کسب دانش و علوم چینی، بخصوص برای "ئسترش آئین کنفوسیوس در سراسر کشور به وجود آورد. کنفوسیوس ژاپنی چنانچه قبلًا" ذکر شد، به طور اصولی به فلسفه و اخلاقیات توجه بیشتری داشت تا پرداختن به آداب و عمال مذهبی و این آئین مطابق با میل و سلیقه ژاپنی‌ها توسعه یافت. تسلط تعالیم کنفوسیوس بر تمام دوره سیاست انزوا عامل ایجاد و بسط بسیاری از رفتارهای معنوی و خلاقی منحصر به فردی به شمار می‌رود که هنوز توسط بسیاری از ژاپنی‌ها مورد عمل قرار

می‌گیرد، یا چنانچه موری شیما<sup>(۱)</sup>، می‌گوید "در طول دوران مزبور، زاپنیها شستشوی مغزی شدند و تعالیم کفوسیوس آنها را در شکل و قالب ویژه‌ای از انسانها درآورد".

حاکمان دوره توکوکاوابانام امپاطور و در لواح وحدت سرزمین و رهبری، حاکمیت خوبیش را بر تعلیم زاپن گسترش داده یک نظام طبقاتی منسجم را براساس مبانی و اصول مذاهب موجود شکل می‌دادند. در این دوره و بخصوص در طی انزوا با یک سیستم متصرکز و با تبلیغات وسیع اهداف جمعی را به عنوان والاترین ارزش‌های موردن قبول ترویج می‌دادند و پس از ایجاد ثبات سیاسی، اقدامات برای رشد تولید و سازماندهی کلی و احداثی اقتصادی آغاز می‌شود. بسیاری از ویژگی‌های منحصر به فرد زاپنی‌ها چه در رفتار فردی و چه در رفتار گروهی و احداثی اقتصادی در همان زمان و با توجه به اصول اعتقادی مردم به ویژه آئین کفوسیوس شکل گرفته و تکامل می‌یابد. در رفتار فردی، هر نوع کار و فعالیت سازنده تولیدی و خدماتی تشویق شده و جدان کار به عنوان یک وظیفه ملی و معنوی ارزش غالب را در جامعه می‌یابد. در مصرف، صرفه جویی و عدم گرایش به کالاهای لوکس و غیر ضروری الگوی مصرفی عام قرار می‌گیرد. در مدیریت و سازماندهی و احداثی تولیدی، ویژگی‌هایی که امروزه در مدیریت زاپنیها مورد توجه است، با استفاده از تعالیم کفوسیوس و تکیه بر اصول شینتو شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، اشتغال مادام‌العمر، پیاده کردن سیستم خانواده در امور شرکتها، کنترل پلیسی از بالا به پائین در تعلیمی و احداثی اقتصادی که ریشه در فرهنگ قدیمی زاپنی‌های دارد، در دوره انزوا جنبه عملی بخود گرفته و در سطح کشور اشاعه می‌یابد. همچنین در راستای اهداف جمعی، همکاری‌های وسیعی با برنامه ریزی و هدایت مرکزی برای ایجاد راهها، گسترش زمین‌های کشاورزی، افزایش بازدهی تولید و ایجاد نمایشگاه‌های جهت دستیابی به فنون و تکنیک‌های داخلی و خارجی و اشاعه آنها در تمامی مناطق کشور صورت می‌گیرد.

### نتیجه گیری:

در بررسی توسعه اقتصادی کشورها، علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، ابعاد و یا وجوده غیر اقتصادی نیز مورد توجه خاص بوده و بعضی از آن‌دیشمندان<sup>(۲)</sup> این عوامل را کلید اصلی توسعه‌داشته‌اند و بتفصیل دیگر، تحولات فرهنگی راپنی نیاز اصلی توسعه اقتصادی

2- Morishima, M. 962. P.60

۲- برای توضیح مفصل‌تر رجوع شود به چارلز پ-کیندل برگر "توسعه اقتصادی

ترجمه رضا صدوqi - فصل دوم

بشمار می‌آورند. تحولات فرهنگی ژاپن و تاثیر مکاتب فکری مهم در رفتار اقتصادی – اجتماعی آنها که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت تاکیدی بر اهمیت و نقش تحولات فرهنگی در توسعه اقتصادی نه تنها به عنوان پیش نیاز توسعه اقتصادی بلکه عاملی تعیین کننده در رقابت صنعتی بین کشورهای توسعه یافته کوئنی می‌باشد.

تعالیم شینتوعلی‌رغم فرازونشیب‌هایی‌سی‌الوهیت سرزمین و امپراتور را به عنوان اصلی تغییرناپذیر در جامعه ژاپن بنیان می‌گذارد و همین امر عاملی تعیین کننده درایجاد وحدت ملی و ثبات اقتصادی – سیاسی در طی دورانهای مختلف و در مواجه با بحرانهای داخلی و خارجی بوده است و حتی کشورگشائی‌های دوران قبل از جنگ جهانی دوم با توصل به شعارهای اصولی بود که مروج اصلی آن‌کاهنان شینتو بودند.

بودیسم بر عکس تاثیرش در دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی در ژاپن به تشییت و ترویج اصول اخلاقی عملی، وجود ان کار و نظم در امور می‌پردازد و ایده‌آلیسم خود را در تعالی علمی و اخلاقی فرد و تمام جامعه انسانی می‌یابد و در نهایت آئین کفوسيوس انسان را محور اصلی تمام تحولات سازنده در جهان محسوب نموده و به کانون خانواده در کوچکترین مقیاس آن و به کشور در معنی وسیع آن، آنچنان به او ارزش می‌دهد که مفهومی مقدس یافته و رعیس خانواده و هبر جامعه هر دو مقامی مورد پرستش می‌یابند، آثار این تعالیم هم اکنون در نظام مدیریت، روابط کارگری، شیوه زندگی فردی، الگوی مصرف و بطور کلی تمام ابعاد اقتصادی – اجتماعی مردم ژاپن به وضوح مشهود است؟ توسعه سریع اقتصادی این کشور و نفوذ فرهنگ غرب هنوز نتوانسته است تاثیری تعیین کننده براین جامعه داشته باشد.

در این مقاله همچنین شکل‌گیری ارزش‌های مذکور را در یک دوره نسبتاً "طلانی" "دوره توکوگawa" و بخصوص در ۲۲۵ سال دوره انزوا مورد بررسی قرار دادیم، زمانی که این کشور تاثیر پذیری بسیار کمتری از جهان خارج داشته و تعالیم مکاتب بزرگ فکری جایگاه و زمان مناسبی برای گسترش و ترویج اصول اساسی خود یافتند. در این دوره با استقرار یک نظام ارزشی متصرکز مینه‌های لازم برای ترویج اصول و ارزش‌هایی که به عنوان خصوصیات ویژه ژاپنهای نامیده می‌شد، بوجود می‌آید و تحولات فرهنگی پیش نیاز توسعه بعدی ژاپن فراهم می‌گردد، به علاوه این دوره فرستی بود تا ژاپن، هم خود را بهتر بشناسد و هم از نفوذ و گسترش استعمار در امان بماند و به سرنوشت دیگر کشورهای آسیای جنوب شرقی دچار نشود بدین ترتیب ژاپن با تحولات فرهنگی لازم، زمینه توسعه اقتصادی کشور را فراهم نمود و با حفظ واستمرار فرهنگ غنی خود نه تنها کمبوتد های نسبی کشور را از لحاظ مواد اولیه پوشش داد. بلکه امروزه در رده دیف پیشو اور ترین کشور صنعتی جهان ظهرور یافته است.

- 1) Bellah, R.N. 1969 Tokugawa Religion, New York: The Free Press.
- 2) Craig, A.M. and Shively; D.h.(ed) 1970: Personality in Japanese History, Los Angeles: University of California Press.
- 3) Dore, R.P. 1965. Education in Tokugawa Japan, Berkely, Los Angles: University of California Press.
- 4) Drucker, Peter F. 1981. "Behind Japan's Success" Harvard Business Review, Vol. 59. Jan-Feb.
- 5) Encyclopedia Americana Corporation 1979. The Encyclopedia Americana: International Edition, U.S.A.
- 6) Gordon, A. 1985. The Evolution of Labor Relation in Japan, Council on East Asian Studies: Harvard University Press.
- 7) Ikeda, Daisaku 1978. Buddhism the First Millennium, Tokyo: Kodansha International Ltd.
- 8) Jansen, M.B. and Rozman, G. (ed), 1986. Japan in Transition from Tokugawa to Meiji, New Jersey: Princeton University Press.
- 9) Lebera T.S. and Lebra, W.P. (ed) 1979. Japanese culture and Behavior; selected Readings, Honolulu: An East-West Center Book.
- 10) Levine, S.B. and Kowada, Hisashi 1980 "Human Resources in Japanese Industrial Development" Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- 11) Meyer, Milton W. 1976 "Japan: A concise History" New Jersey: Littelfield Adams and co.

- 12) Michio, N. and Urrutia M. (ed) 1985. Meiji Ishin: Restoration and Revolution, Tokyo: The United Nation University.
- 13) Moore, Charles A. (ed) 1967 The Japanese Mind:Essentials of Japanese Philosophy and Culture, Tokyo: Charles E.Tuttle Company.
- 14) Murakami, Yasusuke 1982. "Toward a Socioinstitutional Explanation of Japan's Economic Performance" in Yamamura, K. (ed) 1982 pp. 3-46.
- 15) Okochi, A. and Karsh, B. and Levine, S.B. (ed) 1973 Workers and Employers in Japan, Tokyo: University of Tokyo press.
- 16) Shively, D.H. (ed) 1971. Tradition and Modernization in Japanese Culture, New Jersey: Princeton University Press.
- 17) Tiedemann, Arthur 1955. Modern Japan: A Brief History Canada: D. Van Nostrand Company.